

# چراغی رو به روشنایی (۱)

سیری در نمایش نامه‌های کودک و نوجوان - دهه ۳۰

## نسرین اسدی

تأثر معاصر ایران، پدیده‌ای وارداتی است که از ۱۳۰۰ شمسی، به وسیله تحصیل کردگان و اروپا رفتگان، گسترش یافت. از نخستین مراکزی که به تأثر کودکان علاقه و توجه نشان داد، مدرسه عالی موسیقی بود که با هدف و برنامه از پیش تعیین شده، به منظور آموزش روابط اجتماعی و خانوادگی و همچنین سرگرمی‌سازی کودکان، کار خود را آغاز کرد. ادبیات نمایشی، تا سال ۱۳۴۰، بیش از دیگر گونه‌های ادبیات کودکان، در آموزش و پرورش نقش داشت و به عنوان یکی از فعالیت‌های فوق برنامه کودکان و نوجوانان، در مدارس شناخته می‌شد.

از نخستین کسانی که به اهمیت و کارکرد ویژه نمایش، به عنوان یک وسیله آموزشی معتبر پی‌برد، جبار باغچه‌بان بود که با تأسیس کودکانستانی در شیراز، به تألیف و اجرای نمایش ویژه کودکان پرداخت و سپس آن‌ها را در انتشارات سعادت شیراز، به چاپ رساند. او کتاب «زندگی کودکان» را در شهریور ۱۳۰۸ و کتاب «گرگ و چوپان» را در آبان همان سال منتشر کرد. پس از آن و در سال ۱۳۱۱، نمایش‌نامه «پیر و ترب» و «خانم خزوک» را به چاپ رساند. در سال ۱۳۰۹، مسعود فرزند نمایش‌نامه «معلم کم‌آزار» را نوشت. این نمایش‌نامه، برگرفته از یک حکایت سعدی و طنز است. بزرگ علوی، یکی دیگر از نویسندگان برجسته که او نیز مانند مسعود فرزند، نویسنده مختص کودک و نوجوان به شمار نمی‌آمد، در سال ۱۳۲۹، مجموعه نمایش‌نامه «دوازده ماه»، اثر ساموئل مارشاک را به فارسی ترجمه کرد.

در سال ۱۳۳۷، منوچهر انور نمایش‌نامه «کدوی قلقله زن» را توسط نشر سخن و با تصویرگری پرویز کلاتری، برای گروه سنی کودکان به چاپ رساند.

علینقی وزیری، در دو کتابی که از خود به جای گذاشت، برای هر دو گروه سنی کودک و نوجوان نمایش‌نامه تألیف کرد. او کتاب «سرودهای آموزشگاه» را در سال ۱۳۱۶ نوشت. کتاب دیگر او، «خواندنی‌های کودکان، افسانه‌هاست» که نمایش‌نامه‌های «سروش و نیلا»، «مهر و»، «روز پذیرایی»، «فریدون پرخور و دلیر» و «پانسیون خانم طماع» را شامل می‌شود.

نمایش‌نامه «مهر و»، برداشتی از افسانه سیندرلا و «پانسیون خانم طماع»، برگرفته از نمایش‌نامه باکس و کاکس (Box and Cox)، نوشته جان مدیسون مورتون است که این دو نام باکس و کاکس، در نمایش‌نامه علینقی وزیری، به کلیم و کریم تعبیر یافته. این نمایش‌نامه در سال ۱۳۳۶، در «مجموعه نمایش‌نامه‌های مدارس»، نوشته ایرج عطایی نیز با عنوان «تقی و نقی» ترجمه شد.

«مجموعه نمایش‌های مدارس» را جنتی عطایی، به سفارش وزارت آموزش و پرورش، برای نوجوانان تألیف کرد؛ هر چند مانند دیگر نمایش‌نامه‌های چاپ شده در آن روزگار، این مجموعه را نیز نمی‌توان کاملاً اثری خاص نوجوانان دانست.

این مجموعه شامل ده نمایش نامه است با عنوان‌های «موش و گربه» «غرور ملی»، «علی بابا»، «بنی آدم اعضای یکدیگرند»، «گل گندم»، «تیرنگ»، «کیفر»، «داوید و پیشخدمت» و «برای وطن». حوادث، شخصیت‌ها و موقعیت‌های نمایش در بعضی از این نمایش نامه‌ها، همانند «تیرنگ» و «کیفر»، مناسب گروه سنی نوجوان نیست و از آن جا که هدف نویسنده آموزش و تعلیم اخلاقیات بود، نمایش نامه‌ها به نوشته‌هایی بی‌روح، گنگ و بدون جذابیت تبدیل شد.

### این مقاله پژوهشی،

### به بررسی

### نمایش نامه‌های

### چاپ شده

### کودک و نوجوان،

### از آغاز تا امروز

### می‌پردازد

### و شخصیت «درونمایه»

### موضوع و

### دیگر عناصر دراماتیک

### نمایش نامه‌ها را

### بررسی می‌کند

پس از چاپ این مجموعه، تا سال ۱۳۵۱ و تأسیس کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، فعالیت جدی در عرصه چاپ نمایش نامه کودک و نوجوان صورت نگرفت. در سال ۱۳۵۱، مرکز تولید تأثیر کانون در پارک لاله و با مدیریت «دان لاجر لافون» افتتاح شد. پس از آن به تأثیر کودک و نوجوان توجه ویژه‌ای شد و در کنار اجرای نمایش، بخش انتشارات کانون، به چاپ آثار نمایشی پرداخت.

این مقاله پژوهشی، به بررسی نمایش نامه‌های چاپ شده کودک و نوجوان، از آغاز تا امروز می‌پردازد و شخصیت «درونمایه» موضوع و دیگر عناصر دراماتیک نمایش نامه‌ها را بررسی می‌کند.

کتاب «نمایش نامه‌های مدارس»، نوشته ایرج جنتی عطایی، اولین مجموعه از آثار چاپ شده کودک و نوجوان است که بررسی می‌شود. این مجموعه در سال ۱۳۳۶، در قطع رقعی و توسط انتشارات اقبال به چاپ رسید که مجموعه آن ۹۷ صفحه و شامل ده نمایش نامه است. اولین نمایش نامه «موش و گربه» نام دارد که در دوازده صفحه و هفت صحنه نوشته شده است.

گوینده داستان، گربه، شاه موش‌ها، وزیر لشکر موش‌ها، پیک موش‌ها و بیش از هفت موش و چند گربه دیگر، شخصیت‌های این نمایش نامه هستند و مکان وقوع نمایش در کنار خمره، کنار محراب، محل اجتماع موش‌ها، بارگاه شاه موش‌ها و میدان جنگ است.

درونمایه آن توبه و موضوع آن در مورد گربه‌ای است که از خوردن موش توبه می‌کند، ولی نمی‌تواند به عهد خود پایبند باشد. این نمایش نامه، برگرفته از اثر عبیدزاکانی است و برای نخستین بار، روز جمعه ۲۰ آذر ۱۳۲۶ از رادیو تهران به وسیله دانش‌آموزان کلاس‌های انجمن موسیقی دوستداران فرهنگ فرانسه، با صفحه «کارناوال درانیمو» اجرا شد. نمایش نامه جنتی عطایی نسبت به اصل اثر، تغییری ندارد و تنها تفاوت این دو، در ورود شخصیت «گوینده داستان» به نمایش نامه است.

نمایش نامه از لحظه‌ای آغاز می‌شود که گربه در پشت خمره کمین می‌کند. سپس موشی از راه می‌رسد، سرش را درون خمره فرو می‌برد و کمی شراب می‌نوشد.

موش بر اثر نوشیدن شراب مست می‌شود، در حال و هوای مستی رجز خوانی می‌کند و گربه را به مبارزه می‌طلبد.

گره از پشت خمره بیرون می‌آید و موش را شکار می‌کند، اما پس از آن از کار خود پشیمان می‌شود، به محراب می‌رود، وضو می‌گیرد و از خوردن موش توبه می‌کند. بعد تصمیم می‌گیرد دیگر هیچ موشی را شکار نکند. یک موش، ماجرای توبه گربه را به موش‌های دیگر خبر می‌دهد. موش‌ها خوشحال از این تصمیم گربه، برای نشان دادن محبت خود، هدایا و تحفه‌های زیادی برای او می‌برند، ولی گربه با دیدن موش‌ها نمی‌تواند خودش را کنترل کند. او توبه خود را می‌شکند و پنج موش را شکار می‌کند و می‌خورد. یکی از موش‌ها می‌گریزد و ماجرا را برای شاه موش‌ها بازگو می‌کند. شاه موش‌ها دستور جنگ با گربه‌ها و گرفتن انتقام موش‌های کشته شده را صادر می‌کند. بین موش‌ها و گربه‌ها جنگ درمی‌گیرد. یکی از گربه‌ها به دست موش‌ها می‌افتد. او را نزد شاه موش‌ها می‌برند، اما گربه با دیدن شاه موش‌ها به خود می‌آید، بندهایش را پاره و همه موش‌ها را شکار می‌کند.

دومین نمایش نامه این مجموعه «غرور ملی» است در ۱۹ صفحه و یک صحنه. درونمایه این نمایش نامه، شجاعت و شرافت و موضوع آن سرگذشت مزداری به نام یوسف است که علی‌رغم میل مادر و همسرش، از جبهه جنگ می‌گریزد. مکان وقوع نمایش، اتاقی محقر در خانه روستایی یوسف است.

مادر، اختر (همسر یوسف) و یوسف، شخصیت‌های این نمایش هستند. مادر در حال دوختن پیراهن برای یوسف است. اختر برای مادر کتابی حماسی درباره مقاومت یک سرباز سپاه کوروش می‌خواند. یوسف به جنگ رفته است تا از میهن خود دفاع کند. مادر نگران آسیب دیدن اوست، ولی اختر به یوسف افتخار می‌کند و معتقد است حتی اگر یوسف کشته شود، بیشتر باعث افتخار او و مادرش خواهد بود. مادر و اختر، یوسف را به خاطر دفاع از میهن تحسین می‌کنند و از این که اجازه تجاوز دشمن به خاک کشورش را نمی‌دهد، او را یک رزمنده دلاور می‌پندارند، اما ناگهان یوسف، خاک‌آلود و گلی وارد خانه می‌شود. مادر و اختر او را به خاطر فرار از جنگ نفرین می‌کنند. مادر او را حلال نمی‌کند و اختر هم می‌گوید به فرزندش خواهد گفت که پدرش در جنگ کشته شده است. سپس آن‌ها یوسف را از خانه بیرون می‌اندازند.

همان‌طور که خود نویسنده در مقدمه کتاب ذکر می‌کند، هدف این نمایش نامه‌ها، برانگیختن حس وطن‌دوستی و میهن‌پرستی در میان نوجوانان است. این نمایش نامه کاملاً شعاری است و ساختمان نمایشی و طرح محکمی ندارد. شخصیت‌پردازی آن ضعیف و بدون پشتوانه جامعه‌شناختی است و شخصیت‌ها باورپذیر نیستند. گفت‌وگوها سراسر از شعارهای وطن‌پرستی پر شده است.

دو شخصیت زن روستایی، کتاب‌های تاریخی می‌خوانند و از رشادتهای پیشینیان در راه آرمان و میهن خود سخن می‌گویند! و باز هم خلاف آن‌چه از حس مادرانه انتظار می‌رود، مادر، یوسف را به دلیل فرار از جنگ و کشته شدن در راه میهن، سرزنش می‌کند. به دلیل شخصیت‌پردازی نادرست و باورپذیر نبودن اعمال شخصیت‌ها به نسبت موقعیت و رفتارشان، چنین برخوردی در این نمایش نامه، از جانب مادر شعاری به نظر می‌رسد. هم‌چنین، موضوع و شخصیت‌های آن، هیچ کدام مناسب گروه سنی نوجوان نیست. این نمایش نامه، برای نخستین بار در مجله «دانش آموز»، نشریه وزارت فرهنگ، شماره دوازدهم دوره چهارم، به چاپ رسید. سومین اثر از مجموعه نمایش نامه‌های مدارس، نمایش نامه افسانه‌ای و حکمی «علی‌بابا» است در ۱۰ صفحه و چهار صحنه.

درونمایه آن، دزدی و موضوع آن درباره علی‌باباست که با کمک خدمتکار خود، دزدها را نابود و گنج‌شان را تصاحب می‌کند.

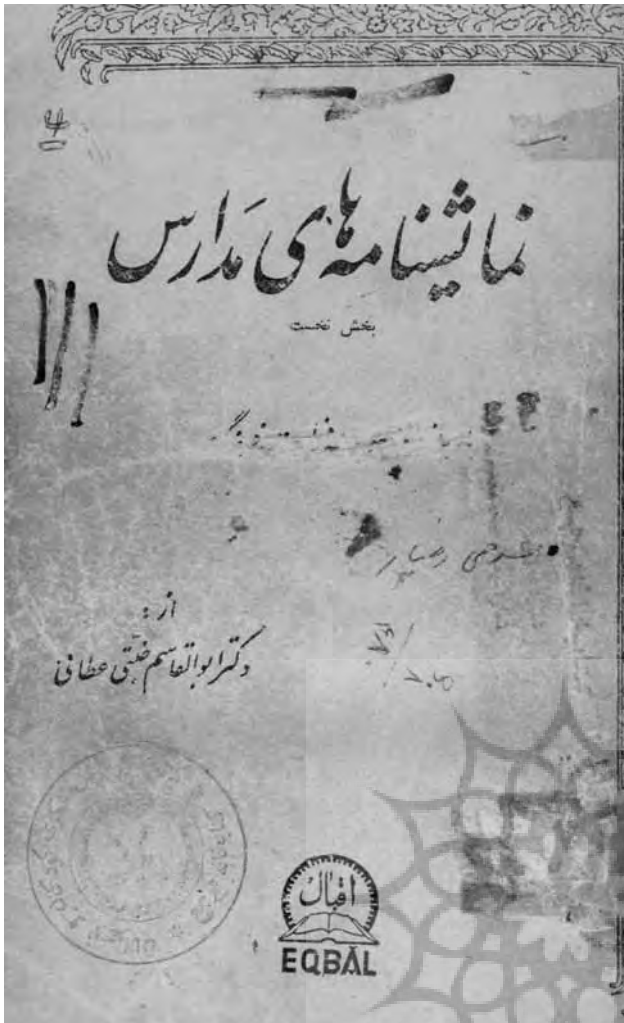
این نمایش نامه، برگرفته از افسانه «علی‌بابا و چهل دزد بغداد» است و شخصیت‌های آن، داستانسرا، سه کودک، علی‌بابا، خدمتکار، رئیس دزدان و پانزده دزد است که در جمع کودکان، کلبه‌ای در جنگل و محل اختفای دزدان رخ می‌دهد.

«علی‌بابا» به همراه دختری خدمتکار، در کلبه‌ای درون جنگل زندگی می‌کند. روزی علی‌بابا عده‌ای دزد را می‌بیند و خود را پشت درختی پنهان می‌کند. دزدها با گفتن جمله رمز، در مخفی غار را باز می‌کنند و اموال‌شان را در آن پنهان می‌سازند.

پس از رفتن آن‌ها، علی‌بابا جمله رمز را تکرار می‌کند و در غار باز می‌شود.

علی‌بابا صندوقچه گنج دزدها را برمی‌دارد و به خانه‌اش می‌برد. وقتی رئیس دزدها از این کار علی‌بابا مطلع می‌شود، برای انتقام و پس گرفتن صندوقچه گنج خود، چهل خمره روغن می‌خرد و در هر خمره یکی از دزدها را پنهان می‌کند. سپس به عنوان مهمان و مسافر، به کلبه علی‌بابا می‌رود تا در یک فرصت مناسب، با کمک یارانش

**علینقی وزیری،  
در دو کتابی که  
از خود به جای گذاشت،  
برای هر دو گروه سنی  
کودک و نوجوان  
نمایش‌نامه تألیف کرد.  
او کتاب  
«سرودهای آموزشگاه»  
را در سال ۱۳۱۶ نوشت.  
کتاب دیگر او،  
«خواندنی‌های کودکان،  
افسانه‌هاست»  
که نمایش‌نامه‌های  
«سروش و نیلا»،  
«مهر و»، «روز پذیرایی»،  
«فریدون پرخور و دلیر»  
و «پانسیون خانم طماع»  
را شامل می‌شود**



**«مجموعه نمایش‌های مدرسه» را جنتی عطایی، به سفارش وزارت آموزش و پرورش، برای نوجوانان تألیف کرد؛ هر چند مانند دیگر نمایش‌نامه‌های چاپ شده در آن روزگار، این مجموعه را نیز نمی‌توان کاملاً اثری خاص نوجوانان دانست**

کتاب‌ماه کودک و نوجوان  
اسفند ۸۴ - فروردین و اردیبهشت ۸۵  
۲۳۳

علی‌بابا را بکشد و صندوقچه را بازپس گیرد.

خدمتکار علی‌بابا به مقصود آن‌ها پی می‌برد. دیگی پر از آب جوش برمی‌دارد، در هر خمیره مقداری آب‌جوش می‌ریزد و دزدها را می‌کشد. سپس علی‌بابا را از نقشه رئیس‌دزدان مطلع می‌کند. آن‌ها با هم درگیر می‌شوند و سرانجام، علی‌بابا به کمک خدمتکار، رئیس دزدها را می‌کشد. علی‌بابا، همراه خدمتکارش به شهر می‌رود، با او ازدواج کرده و با پول صندوقچه، زندگی جدیدی را آغاز می‌کند.

«بنی‌آدم اعضای یکدیگرند»، چهارمین نمایش‌نامه از این مجموعه است که در هشت صفحه و دو صحنه نوشته شده. شخصیت‌های آن، بنا، شاگرد بنا، عمه، مادر بینوا، کودک یتیم، سه رهگذر و فرزند رهگذر یک هستند. مکان وقوع آن، داخل خانه‌ای نیمه ساخته و کنار یک گودال در خیابان و موضوع آن در مورد مردی است که تا وقتی خود محتاج کمک دیگران نمی‌شود، اعتقادی به کمک کردن به بینوایان ندارد. این نمایش‌نامه، براساس یکی از حکایت‌های سعدی است و جنبه آموزشی و تربیتی آن بر دیگر عناصر دراماتیک آن برتری دارد و هدفی جز پند و اندرز و تربیت نوجوانان ندارد.

بنا در آغاز نمایش، در حال ساختن خانه، شعر «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» را می‌خواند و شاگرد نیز آن شعر را تکرار می‌کند. در آن هنگام، کودکی یتیم که از آن‌جا عبور می‌کند، درون گودال می‌افتد. شاگرد به کمک او می‌رود و کودک را از گودال بیرون می‌آورد. سپس زنی بینوا وارد می‌شود و در کنار گودال می‌نشیند. رهگذر اول، زن را به دلیل گدایی سرزنش می‌کند و هیچ کمکی به او نمی‌کند. وقتی رهگذر دوم به زن اسکناسی می‌دهد. رهگذر اول این کار او را بیپوده می‌داند و با او مخالفت می‌کند. کم‌کم فرزند رهگذر اول، با کودک یتیم دوست می‌شود و با دکنکش را به کودک یتیم می‌دهد. رهگذر اول از این کار فرزندش نیز ناخشنود است تا این‌که خودش در گودال می‌افتد و زن به کمک رهگذر سوم، او را از گودال بیرون می‌آورند. پس از آن، رهگذر اول از اعمال خود پشیمان می‌شود، پولی به زن می‌دهد و از آن‌جا می‌رود.

این نمایش‌نامه نیز طرح منسجم و کاملی ندارد و نویسنده فقط با دست‌مایه قراردادن یک بیت از سعدی و خلق موقعیت، در پی رسیدن به همان هدف اصلی خود، یعنی طرح مسائل آموزشی و تربیتی است که باز هم شعاری و بدون جذابیت برای مخاطب نوجوان است. در حالی که قهرمان نمایش هم نوجوان نیست و هم چنین، تحول شخصیت نیز بی‌منطق و بدون عنصر باورپذیری است.

«گل‌گندم» نمایش‌نامه دیگر این مجموعه، در ۵ صفحه و دو صحنه است.

شخصیت‌های آن گل‌افروز، گل‌ناز، قربان، علیجان (پسر کدخدا)، پدر گل‌افروز، کدخدا و گروهی دختر و پسر دهقان هستند و مکان وقوع آن در گندمزار و میدان ده است.

نمایش‌نامه با درونمایه عشق، درباره دختری به نام گل‌افروز است که برای رسیدن به معشوق تلاش می‌کند. نمایش از صحنه‌های شروع می‌شود که دختران و پسران روستا، خسته از کار در گندمزار، به میدان روستا می‌روند تا کمی استراحت کنند. گل‌افروز و قربان از جمع آن‌ها جدا می‌شوند، به گوشه‌ای می‌روند و با هم به راز و نیاز عاشقانه می‌پردازند. گل‌ناز از این رابطه بسیار خشنود است، اما ناگهان علیجان از راه می‌رسد و از روی حسادت با قربان درگیر می‌شود. کدخدا وقتی متوجه علاقه پسرش علیجان به گل‌افروز می‌شود، آن دو را برای هم نامزد می‌کند، اما گل‌افروز که از این وصلت ناراضی است، در فرصتی مناسب و زمانی که دختران و پسران در حال رقص هستند، همراه قربان فرار می‌کند. پس از مدتی، علیجان متوجه غیبت گل‌افروز می‌شود و درصدد جست‌وجوی او برمی‌آید، ولی گل‌ناز به پای او می‌افتد و عشق خود را به علیجان ابراز می‌کند.

در پایان، گل‌افروز و قربان، به همراه گل‌ناز و علیجان، رقص و پایکوبی می‌کنند. این نمایش‌نامه فضای شاد و

پر از رقص و موسیقی دارد، اما طرح نمایشی ضعیف است و بیشتر بر پایه تصادف شکل می‌گیرد. نمایش‌نامه «تقی و تقی»، در ۱۹ صفحه و دو صحنه، از کتاب Box and Cox، اثر جان ماریسون مورتون ترجمه شده است. تقی (کارگر کلاه فروشی)، تقی (کارگر چاپخانه) و خانم دلاور (صاحبخانه)، شخصیت‌های این نمایش‌نامه طنز اجتماعی هستند. مکان وقوع آن در راه پله و یک اتاق از خانه خانم دلاور است. درونمایه آن تقدیر و موضوع آن درباره خانم صاحبخانه‌ای است که یک اتاق را به دو نفر اجاره می‌دهد و مشکلاتی به وجود می‌آورد. تقی روزها در مغازه کلاه‌فروشی و تقی شبها در چاپخانه کار می‌کند. خانم دلاور، صاحبخانه‌ای که اتاق‌های متعددی برای اجاره در منزلش دارد، یک اتاق را به هر دوی آن‌ها اجاره می‌دهد. روزها تقی در خانه است و شبها تقی. آن‌ها هر دو از این موضوع بی‌اطلاع هستند و فقط روزی دوبار هنگام ورود و خروج از خانه، همدیگر را در راه‌پله ملاقات می‌کنند و هر کدام گمان می‌برد دیگری در طبقه بالا ساکن است. اشیای آن‌ها مدام تغییر می‌کند و جابه‌جایی شوند.

آن‌ها ابتدا خانم دلاوری را مقصر می‌دانند تا این‌که یک روز تقی، زود به خانه بازمی‌گردد و آن دو با هم در خانه ملاقات می‌کنند و متوجه اصل ماجرا می‌شوند.

خانم دلاوری با عجله می‌کوشد اتاق دیگری برای یکی از آن‌ها آماده کند، ولی هیچ کدام حاضر به ترک اتاق خود نمی‌شوند. درحین گفت‌وگو، متوجه می‌شوند نیلوفر، نامزد هر دو نفرشان است. درگیری آن‌ها بیشتر می‌شود. خانم دلاوری برای از بین بردن این اختلاف، از طرف نیلوفر برای هر دو نفر آن‌ها نامه‌ای می‌نویسد و در آن اعتراف می‌کند که می‌خواهد با مرد دیگری ازدواج کند و نامزد هیچ یک از آن‌ها نیست. تقی و تقی پس از گذشت مدتی، به این نتیجه می‌رسند که با هم بسیار تفاهم دارند و لزومی ندارد از هم جدا شوند و باهم مثل سابق، مشترکاً در آن اتاق زندگی می‌کنند.

شخصیت‌های این نمایش‌نامه نیز در گروه سنی نوجوان جای نمی‌گیرند، دغدغه‌ها و نیازهای آن‌ها، نیاز عموم نوجوانان نیست، اما علت این‌که هم علینقی وزیری و هم جنتی عطایی، این نمایش‌نامه را برای گروه سنی نوجوان انتخاب کرده‌اند، معلوم نیست. طرح نمایش‌نامه براساس تصادف شکل می‌گیرد و تا پایان و گره‌گشایی نیز تصادف نقش مهمی دارد.

همین خصوصیات، در نمایش‌نامه «نیرنگ» نیز وجود دارد. این نمایش‌نامه دارای ۹ صفحه و یک صحنه است و در کافه‌ای محقر رخ می‌دهد. شخصیت‌های آن مستخدم و دو مشتری‌اند که هر سه بزرگسال هستند. درونمایه آن کلاهبرداری و موضوع نمایش‌نامه، درباره مردی است که به تقلید از یک مشتری، سعی می‌کند به رایگان شراب بیشتری بنوشد.

مستخدم برای مشتری اول، گیلانی شراب می‌آورد. مشتری اول روی میز در حال چرت‌زدن است که مشتری دوم وارد می‌شود و گیلانی شراب سفارش می‌دهد. او بیشتر از نصف گیلان را می‌نوشد، سپس مگسی شکار می‌کند و درون گیلان می‌اندازد. مشتری اول زیرچشمی و با تعجب او را نگاه می‌کند. مشتری دوم مستخدم را صدا می‌زند و مگس را به او نشان می‌دهد. مستخدم شرمگین و ترسان، گیلان دیگری برای او می‌آورد. چندبار مشتری دوم همان کار را تکرار می‌کند. سپس پول یک گیلان را می‌دهد و از آن‌جا می‌رود. مشتری اول هم می‌خواهد همان کار را انجام دهد، اما مستخدم متوجه نیرنگ او می‌شود و او را از کافه بیرون می‌اندازد. موضوع این نمایش‌نامه نیز مناسب گروه سنی نوجوان نیست.

هشتمین نمایش‌نامه این مجموعه، «کیفر» نام دارد که در ۱۰ صفحه و سه صحنه رخ می‌دهد. پیرمرد دهقان، سردار سیستانی، یعقوب لیث صفاری و گل‌اندام (دختر دهقان)، شخصیت‌های این نمایش هستند. مکان وقوع آن در اتاق، راه‌پله و مدخل خانه پیرمرد دهقان است. زمان آن نیز به دوران حکومت یعقوب لیث صفاری مربوط می‌شود. درونمایه این نمایش‌نامه، «شرافت» و موضوع آن در مورد یعقوب لیث صفاری است که برای حفظ نظم و برقراری عدالت، سردار سپاه خود را که به یک دختر دهقان تجاوز می‌کند، به قتل می‌رساند. زمانی که گل‌اندام در اتاق و پس‌پردهای حریری مشغول نخ‌ریسی است، ناگهان سردار سیستانی وارد خانه می‌شود و به اتاق او می‌رود. پیرمرد برای آوردن کمک بیرون می‌رود. در همان لحظه، یعقوب لیث که از آن‌جا عبور می‌کند، وارد خانه می‌شود و با شنیدن صدای دختر، به کمک او می‌رود. یعقوب وارد اتاق می‌شود و بلافاصله شمع‌ها را خاموش می‌کند و سردار سیستانی را می‌کشد. وقتی پیرمرد علت خاموش کردن شمع‌ها را از او می‌پرسد، یعقوب می‌گوید از آن‌ها همه داشت که آن سردار سیستانی برادر او باشد. در این صورت، با دیدن او ممکن بود مهر برداری مانع از اجرای عدالت شود و او به سزای عمل خود نرسد. یعقوب از پیرمرد می‌خواهد جنازه را بیرون بیندازد تا مایه عبرت دیگران شود.

**از نخستین کسانی که به اهمیت و کارکرد ویژه نمایش، به عنوان یک وسیله آموزشی معتبر پی‌برد، جبار باغچه‌بان بود که با تأسیس کودستانی در شیراز، به تألیف و اجرای نمایش ویژه کودکان پرداخت و سپس آن‌ها را در انتشارات سعادت شیراز، به چاپ رساند**

**فهرست مندرجات:**

مقدمه	از صفحه تا صفحه	
نظریه «آقای بیرون» در باره نمایشنامه‌های مدارس سخنی چند از آقای دکتر والا		
۱ -	۱	موش و گربه
۲ -	۱۳	غردوبلی
۳ -	۲۳	علی بابا
۴ -	۳۳	بنی آدم اعضای یکدیگرند
۵ -	۴۱	گل‌گندم
۶ -	۴۵	تقی و تقی
۷ -	۶۵	نیرنگ
۸ -	۷۳	کیفر
۹ -	۸۳	داوید و شیخ
۱۰ -	۹۳	برای وطن
	۹۸	فهرست اسامی کسان و اماکن

نمایش‌نامه دیگر این مجموعه، «داوید و پیشخدمت» نام دارد و برگرفته از «دیوید کاپرفیلد»، اثر چارلز دیکنز است. این نمایش‌نامه ۱۰ صفحه و یک صحنه دارد. شخصیت‌های این نمایش‌نامه داوید، پیشخدمت و خانم مدیر مهمانخانه هستند. مکان وقوع آن در تالار مهمانخانه است و درونمایه آن جهل و حماقت. موضوع نمایش‌نامه درباره پسری است که با خوش قلبی خود، فریب پیشخدمت رستوران را می‌خورد و همه غذایش را به او می‌دهد.

وقتی داوید وارد مهمانخانه می‌شود، مستخدم برای او یک لیوان آبجو می‌آورد و می‌گوید، آبجو بسیار کهنه است و احتمال دارد باعث مرگ او شود. بهتر است آن را نخورد و به پیشخدمت بدهد. ویلیام (پیشخدمت) آبجو را می‌خورد و سپس به داوید می‌گوید، گوشت خوک اثر مضر و زیان‌آور آبجو را خنثی می‌کند. داوید هم با سادگی، گوشت‌ها را به او تعارف می‌کند.

ویلیام همه گوشت‌ها و سیب‌زمینی‌ها را می‌خورد. سپس یک بشقاب مربای آلو، به عنوان دسر برای داوید می‌آورد و با هم مشغول خوردن می‌شوند، اما ویلیام با قاشق بزرگ خود، بیشتر آلوها را می‌خورد.

ویلیام این بار شروع به زاری و التماس می‌کند تا داوید به او انعام دهد. بنابراین، انعام بسیار خوبی هم از او می‌گیرد. داوید کالسکه‌ای درخواست می‌کند، خانم مدیر داوید را راهنمایی می‌کند و به کالسکه‌چی تذکر می‌دهد که مواظب داوید باشد؛ زیرا او بسیار پرخوری کرده است.

دهمین و آخرین نمایش‌نامه از مجموعه «نمایش‌نامه‌های مدارس»، «برای وطن» نام دارد. این نمایش در ۶ صفحه و یک صحنه نوشته شده و شخصیت‌های آن جلال‌الدین منکبرنی و اشباح سفیدپوش هستند. مکان وقوع نمایش، بیابان و زمان آن اواخر سلسله خوارزمشاهی (سال ۶۴۸) است. درونمایه نمایش‌نامه، وطن‌دوستی و موضوع آن بیان لحظات آخر عمر جلال‌الدین منکبرنی است که با تمام توان، در دفاع از میهن خود تلاش می‌کند. جلال‌الدین منکبرنی، فرزند سلطان محمد که در جنگ با مغولان

به شدت زخمی شده، در بیابان سرگردان است. او در حالت احتضار، به یاد همسرش «ملکه خاتون» می‌افتد. در خیال و رؤیا با ملکه خاتون صحبت می‌کند و مدام پدرش را به دلیل اشتباهاتش در شیوه اداره حکومت، متهم می‌کند. ضعف ناشی از جراحات جنگ بر او غلبه می‌کند، اما در همان حالت بیماری و ناتوانی هم فقط به نجات میهن خود می‌اندیشد. در پایان، دوباره به یاد ملکه خاتون می‌افتد و او را در رؤیا می‌بیند، به عشق خود به او اعتراف می‌کند و در حالی که آرزوی پایداری ایران را می‌کند، جان می‌دهد. سپس اشباح با دسته‌های گل، بر سر بالین او می‌آیند. این نمایش‌نامه، برگرفته از کتاب «تاریخ جهانگشای جوینی» و دومین نمایش‌نامه تاریخی این مجموعه است. عناصر دراماتیک در این نمایش‌نامه نیز رعایت نشده و فقط در حد قصه و طرحی چند صفحه‌ای است.

## منابع

- ۱- جنتی عطایی، ابوالقاسم: **بنیاد نمایش در ایران**، انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم ۱۳۵۶.
- ۲- استعلامی، محمود: **بررسی ادبیات امروز ایران**، نشر امیرکبیر، تهران ۱۳۵۶
- ۳- گوران، هیوا: **کوشش‌های نافرجام، سیری در صدسال تأثر ایران**، نشر آگاه، تهران ۱۳۶۰
- ۴- تقیان، لاله: **کتاب‌شناسی‌های تأثر**، انتشارات نمایش، تهران ۱۳۷۵.
- ۵- محمدی، محمدهادی: **قایینی، زهره: تاریخ ادبیات کودکان ایران** (جلد هفتم) نشر چیستا، تهران ۱۳۸۰.
- ۶- اسفندیاری طیبه: **بیست سال تأثر کودک**، کانون پرورش فکری، تهران ۱۳۸۱.
- ۷- کاشفی خوانساری، سیدعلی: **فهرستگان نمایش کودک و نوجوان**، نمایش، تهران ۱۳۸۲
- ۸- اطلاعات آماری مرکز تأثر کانون پرورش فکری، بهار ۱۳۸۵